

# تحولات تاریخی و اجتماعی منطقه

دکتر رضا شعبانی



منطقه‌ای که آن سوی جبال بلند پامیر و حوزه کوهستانهای عظیم تان‌شان، پشن، آلتایی روس و آلتایی مغول قرار دارد، از بدو پیدایش عناصر آریایی در صفحات ایران و هند، همواره کانون نشأت ارتباطات و مبادله فرهنگ و تمدن بین مردم سرزمین پهناور چین و آریاییان بوده است. اگر به سیل‌های عظیم جمعیتی اقوام و نژادهایی که از این مناطق سرسخت رکوستانی و گاه پوشیده از استیهای گسترده برخاسته‌اند، و به جانب آسیای مرکزی و غربی روی نهاده‌اند، به چشم تأمل بنگریم، ملاحظه می‌شود که این مجموعه تماس‌های بی دریغ و بلاقطع، در سنوایی از عمر همه ساکنان منطقه با دشواری و جنگ و نزاع مواجه بوده و در دورانی ثبات اقتدار سیاسی در هر دو سمت، واسطه انتقال موارث عظیم مدنی و عمرانی بوده است.

گذشته از جینی‌ها که خود سرزمینی وسیع را با باروهای بلند و حصنهای حصین بدان‌گونه داشته‌اند که موجودیتی گرانبها و پرمایه و جاودانی را حفظ کنند، و از تپالو دستهای فتنه‌روزگار مصون دارند، عناصر انسانی دیگری که از گذشته‌های دور ذیل نامهای سکا، هیاطله، مپتالی، هون، ترک، تاتار، مغول، ترکمن، اوزبک و ... در صفحات آسیای



منطقه‌ای که آن سوی جبال بلند پامیر و حوزه کوهستانهای عظیم تان‌شان، پشن، آلتایی روس و آلتایی مغول قرار دارد، از بدو پیدایش عناصر آریایی در صفحات ایران و هند، همواره کانون نشأت ارتباطات و مبادله فرهنگ و تمدن بین مردم سرزمین پهناور چین و آریاییان بوده است. اگر به سیل‌های عظیم جمعیتی اقوام و نژادهایی که از این مناطق سرسخت رکوستانی و گاه پوشیده از استیهای گسترده برخاسته‌اند، و به جانب آسیای مرکزی و غربی روی نهاده‌اند، به چشم تأمل بنگریم، ملاحظه می‌شود که این مجموعه تماس‌های بی دریغ و بلاقطع، در سنوایی از عمر همه ساکنان منطقه با دشواری و جنگ و نزاع مواجه بوده و در دورانی ثبات اقتدار سیاسی در هر دو سمت، واسطه انتقال موارث عظیم مدنی و عمرانی بوده است.

داستانهای رستم، اسفندیار، افراسیاب، زال و هفتخوابهای شاهنامه با مضامینی بسیار نزدیک به یکدیگر در متون تاریخی و اذهان عمومی یافت می‌شوند و گنایه از قرابت‌های پرشمار رسما و آداب و عادات اجتماعی آنان دارند.

امر مهم تجارت بین ایران و چین در دوره‌های مختلف، از اعتبار و الاپی برخوردار بود، و هر چند منابع موجود، از وسعت دامنه‌امر آگاهی کافی نمی‌دهد، ولی بمضامین نوشته‌های چینی عصر اشکانی ملاحظه می‌شود که در زمان مهرداد دوم (بین ۱۲۰ تا ۸۸ ق.م.) سفیری از چین به ایران آمده‌است و نیز در کورت‌تالی، سفیر دیگری به نام کان پینگ از سوی سردار معروف چینی یان چاوزه به ایران و روم فرستاده شده‌است.<sup>(۱)</sup> پیرنیا معتقد است که دولت پارتی وقت، نمی‌خواست است که چینی‌ها، راه‌های دریایی ایران را بدانند و مانع تجارت رومیها برای خرید ابریشم چین می‌شوند. این اطلاعات، دلالت می‌کند که پارتی‌ها می‌خواستند این راه مهم ارتباطی را تنها خود در دست داشته باشند و سود سرشار آن را نیز به خود اختصاص دهند.<sup>(۲)</sup>

و اما در دوره ساسانی، البته ارتباطات مزبور وسیعتر و پرقرتر است، و خود جانشینان این حکومت در عرصه مناسبات بازرگانی، امکانات بیشتری را در اختیار اقوام منطقه قرار می‌دهد.<sup>(۳)</sup> داستان کشمکشهای طولانی میان خاقانات غربی و خاقانات شرقی با دو کشور صاحب نفوذ

مرکزی حضور داشته‌اند، به هر نحو متأثر از اوضاع مدنی و اجتماعی اقوام بوده‌اند که در چین، ایران و هند به سر می‌برده‌اند، و از ثبات و امنیت حاصل از تدابیر دولتمردان ممالک مزبور، به نحو مؤثری برخوردار می‌یافته‌اند. کمترین فایده‌ای که می‌توان از ترکیب اوضاع و تسلط عقلا بر امور ناحیه گسترده مورد نظر برداشت کرده، استحکام پایه‌های حیات روستایی و شهری آنان، و وساطتشان برای تسهیل ارتباطات تجاری فی‌مابین دو بخش عمده شرق و غرب بوده‌است که خود به تبع، فوایدی کثیر عاید آنان می‌کرد.

با اینکه سوابق زیست در صفحات مزبور از چندین هزار سال قدمت تاریخی برخوردار است، ولی به‌طور محرز از زمان تشکیل دولتهای بزرگ جهانی مادی و هخامنشی است<sup>(۴)</sup> که مرز ارتباطات اقوام و ملل منطقه از آنسوی فلاتهای پامیر و نبت تا حریم مدیترانه و بل اقیانوس اطلس گسترده شده، و در سایه نظامی پایدار و برخاسته از اقتدار سیاسی-نظامی دولتمردان دوراندیش آن سلسله‌ها و نیز جانشینان سلوکی، اشکانی و ساسانی آنان ادامه پیدا کرده‌است. صرف‌نظر از مناسبات متکی بر حسن ظن دول چینی و ایرانی برای مهار کردن قدرتهای طغانی و بسلگام فی‌مابین، می‌توان به سلسله طولی از افسانه‌ها و حکایات قهرمانی و دلپذیری پرداخت که به صورت اسطوره‌ها و افسانه‌های مشترک ملل هند و اروپایی و چینی و... موجود در این خطه، در میان مردم جا باز کرده‌اند و همانند بهایی باورکردنی از سیر فکری و تحولات زندگی و خصوصیات قابل قبول آنان را در خود جای داده‌اند.

۱. حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، ایران باستان (کتاب نهم اشکانیان)، چاپ جیبی، تهران،

۱۳۲۲، ۲۹۸. ۲. همان کتاب، صص ۲۹۹ - ۲۹۸.

۳. ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۰ به

۴. ولداسیاب، ج. آ. ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب،

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳.

روز س‌ایران و روم - و نمایانی که برای جذب مساعدت و جلب همکاری هریک از آن دو از خود ظاهر می‌ساخته‌اند، نشان از وسعت مناسبی دارد که نه تنها در زمینه تجارت ابریشم، که محققاً در عرصه‌های دیگر مدنی نیز به‌منحصری حضور داشته‌اند، و تحولات اجتماعی و تاریخی ایام را ورق زده‌اند.<sup>(۱)</sup>

همچنین است نگه به شرق پادشاهان عهد س‌سانسی از اردشیر اول و شاپور یکم تا خسرو پرویز و دره‌های آخر عمر این حکومت، که در تمامی سنوات حاکمی از اراده‌های خلل‌ناپذیر برای حفظ تصرفات ایران در مناطق شرقی فلات و بخشهایی از شبه قاره هند و نیز آسیای مرکزی است. به گمان لوکونین، قدرتی که در ارادهٔ پیاپی‌گذاران سلسله س‌سانسی نهفته بود باعث توفیق آنان بر سرزمینها و مردم کثیری شده‌است، شاپور یکم در کتیبهٔ کعبهٔ زرتشت، از حدود سرزمینهای ایرانشهر چنین یاد کرده‌است:

«من خدا بگازد ایرانشهر، این شهرها را زیر فرمان دلم: پارس، پارت، خسروستان، سیستان، اسورستان، ادیساپه، عربستان، اتورپاتکان، آذربایگان، ارمنستان، گرجستان، ساقلوتیا، آلبانیا، بلاتکان و الخ تا کوه کاب (قفقاز) همان کوه قاف و دریند آلبانیا و همهٔ کوه‌های مشهور (پرو)، ماد، هیرکان (گرگان)، مرو، هرات و سراسر ایرانشهر، کرمان، سیستان، تورستان، مکران، پاراون، هند، کوششهر (یونانی و کشور کوشان) تا پاشکیور (یونانی: پاسکیورا) و سپس تا کشاکش (کاشغر) سفند، کوه شاش (چاچ) و از دگر سو دریا - همان و همهٔ این شهرها و فرمانروایانشان (شهردار) و استانداران

پیرو و باجگذار ما شدند»<sup>(۱)</sup>  
 بی‌شک، آنهمه مردمی که در جوار مرزهای شرقی و غربی امپراتوری بزرگ س‌سانسی می‌زیستند، ارج و اعتبار پل پراهمیت ارتباطی خود را شخصیت می‌دادند، و در هر جنبش عمدهٔ اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی، نظیر نهضت مانی اثرات فراوان فرهنگی برگرفته از پیوستگیهای تاریخی را عرضه می‌نمودند. حسن قبول و حضور عامی که بیخبر آریایی مزبور در سرزمینهای جداه ابریشم داشته و بیش از هزار سال به طول انجامیده‌است، باید ناشی از وجود زمینه‌های مشترکی باشد که در عرصه روابط بین ملل و مردم خطهٔ خودنمایی می‌کرده‌است.

در ادوار بعد از اسلام نیز مشهود است که با گسترش دین مسیحی به مناطق آسیای مرکزی و غرب چین، باز این ایرانیان هستند که پرچمدار تحولات نگری و اجتماعی محسوب می‌شوند، و با نفوذ در میان مردم کوه‌نشین و عشیرتی و آموزش قوانین مقدس شریعت شرّای محمدی (س) و زبان و ادب و فرهنگ شیرین فارسی، موجب دگرگونی حوال اجتماعی آنان می‌گردند. بخصوص که می‌تیم پس از سدهٔ سوم هجری، دسته‌دسته ترکان و عناصر دیگر تورانی به سوی ایران روی می‌نهند، و در هر دو شکل هم‌سالمت جورمانه، مسامحات و یا روابط قهرآمیز و متکی بر شمشیر، آرام‌آرام با تحولات جدید خو می‌گیرند.

دولتهای مهم جهانی یا عظمتی، چون غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان مغول، گورکانیان و سرانجام صفویه و افشاریان هر کدام به نوعی جهد می‌کنند تا پا بر جای پای دولتهای قدیم ایرانی پیش

(۱) شاهنامه

۱. ولادیمیر گریگورویچ، لوکونین، لغت ایران س‌سانسی ترجمهٔ عنایت الله رضا، تهران.

۲. نشرات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۲۰۴.

براساس این متن، پی برده می‌شود که نه تنها شاهرخ که خود جانشین پدر بود، و در تختگاه هرات به اداره امور امپراتوری پهناور ایران می‌پرداخت، و فرستادگان خاص خود را برای ایفای نقش مهم حفظ ازبابطات اعزام داشته‌است، بلکه شاهزادگان دیگر تیموری نیز که در قسای بلاد متفرق بودند، هر کدام عناصر خدمتگزار خاص خویش را انتخاب کرده، و در معیت جمع، راهی مقصد ساخته‌اند.

دکتر علی مظاهری محقق ایرانی که تلخیصی از سفرنامه خواجه غیاث الدین نقاش به عمل آورده‌است، می‌نویسد: «ایلچیان که روز ششم ذی‌قعدة ۸۲۲ ه. ق. ۱۴۱۹/۱۱/۲۴۱ م. از باب همایون هرات عزیمت نموده بودند، روز چهارشنبه اول محرم ۸۲۳ ه. ق. ۱۴۸۹/۱۲/۲۷ به حصار رسیدند، از آنجا پس از آن که از فراز آموزدیا به کلیف گذاشته بودند روز چهارشنبه ۲۲ محرم ۸۲۳ ه. ق. ۷ قوریه ۱۴۲۰ م. به سمرقند رسیدند. حالا دیگر در ماه بود که شاهزاده اعظم‌الغ بیگ - خلدالله ملکه - ایلچیان خاص خود، سلطان شاه و محمدبخشی را در معیت یک گروه چنین اعزام داشته بود بنابراین، در وعده‌گاه سمرقند ایلچیان به انتظار ورود ارقداق، ایلچی امیرسید سرور غتمیش اردوان، ایلچی شاه ملک و تاج الدین و ایلچی شاه بدخشان ماندند. پس از گردآمدن همه کاروان، ایشان روز یکشنبه دهم ذی‌قعدة ۸۲۳ ه. ق. ۲۵ قوریه ۱۴۲۰ م به همراه چینیان از سمرقند روان شدند.<sup>(۱)</sup> نظمی که مورد بحث و تأیید خواجه غیاث‌الدین است، تأییدی بر اهمیت مناسبات از جانب چینیان تلقی می‌شود، چه، به مجرد نزدیک شدن هیأت‌های ایرانی به سوی مرز چین،

از اسلام بگذارند، و نه تنها از نظر شکل سازمانی و ساختار دیوانی و دولتی همانند آنان باشند، بلکه جهات متعدد و مهم مردم‌داری و ملاحظات تاریخی انسانی و خاصه تجاری را با همسایگان خود مرعی دارند. در این میان، بی‌شک امتیاز دولتهای بزرگی چون سلجوقی، ایلخانی، تیموری و افشاری بسیار چشمگیر است، چون همه آنها با مرزهای چین و هند نزدیکتر شدند و نه تنها آوازه شهرت و اعتبار جهانگیرشان در اقصای بلاد غرب و شرق پیچید که سفرا و کارگزاران آنان نیز به‌طور مستمر واسطه ارتباط با هر دوسوی امپراتوریهای ایران شدند، و به حکایت برخی از آثار که هم‌اکنون در دسترس است، از نقل و انتقالات مدنی و فرهنگی سخنها به میان آوردند.

از جمله این آثار یکی سفرنامه غیاث‌الدین نقاش است که در عهد تیموری می‌زیسته و همزمان با اعزام هیأتی از سوی شاهرخ (۸۵۰-۸۰۷ ه. ق.) به چین، این مرد و سلطان احمد نیز از سوی شاهزاده فرهنگ‌دوست آن خاندان بایستقر میرزا راهی پکن شدند. متن سفرنامه وی متأسفانه از میان رفته‌است، ولی آنچه که دوست خواجه غیاث‌الدین، یعنی حافظ ابرو وقایع‌نگار امین عصر و نویسنده کتاب معروف *زبدة‌التواریخ*، از آن نقل کرده، به همراه بخشهایی از آنکه به‌وسیله کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۸۶ - ۸۱۶ ه. ق.) صاحب *مطلع السعیدین* و *مجمع البحیرین* و نیز غیاث‌الدین بن هماد الدین شیرازی ملقب به خواندیر در کتاب *حبیب‌السیر* آورده شده‌است، دلالت از مناسبات فرهنگی و تجاری استواری است که در بین جوامع ایران و چین وجود داشته‌است.<sup>(۱)</sup>

۱. مظاهری، علی، *جاده ابریشم*، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران، مؤسسه مطالعات و

تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ج ۱، ۱۳۷۲، ص ۵۴-۵۵

۱. *جاده ابریشم*، ج ۱، همان، ص ۶۱

۲. همان، ص ۶۵

کارگزارانی از سوی دولت میزبان حاضر می شدند و افراد هیأت و بارهای اهدایی آنان یا بهتر گفته شود مال التجاره همراهشان را ارزیابی می کردند. گذر از مناطقی که همواره نیز آسان نبود، و مواجهه با مشکلات ناشی از کم آبی و خشکی و حیوانات وحشی مختلف یا خطرات برخاسته از حرق و غرق در مهالک بین راه، فریب یکسال طول کشید، و چنانکه خواجه نقل می کند هیأت تقریباً هزار نفره ایرانی در روز شنبه ۸ ذیحجه ۱۲/۸۲۳ دسامبر ۱۳۲۰ به دروازه بکن رسید.<sup>(۱)</sup>

سفرنامه مهم دیگری که حائز اعتبار فراوان است ختایی نامه از سید علی اکبر ختایی است، که نسخه از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول و نیز کتابخانه های پاریس مقبوض است.<sup>(۲)</sup> زمان نگارش سفرنامه را می توان عصر شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰ - ۹۰۷ ه. ق.) دانست که بخشی از آن البته با روزگار فرمانروایی آخرین حکمران بافرهنگ دودمان تیموری، سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ - ۸۷۵ ه. ق.) و وزیر دانش دوست و فاضل وی امیرعلیشیرنویس تقارن دارد. این طور که برمی آید، وی تاجری آگاه از مسائل روز، و نزدیک به دربار تیموریان بوده و سفر خویش را نیز از سمرقند که ملتقای هیأت های اصرامی ایران به چین، تلقی می شده، آغاز کرده است.

سفرنامه مزبور به حقیقت، از خواندنی ترین و پرمایه ترین کتبی است که در باره روابط استوار میان مردم ایران و چین نوشته شده است، و تفصیلی

۱. همان کتاب، صص ۶۷۳

۲. آقای ایرج افشار، متن فارسی و نیز ترجمه ترکی کتاب را با اصل قرار دادن نسخه موجود در قاهره به همت مرکز اسناد فرهنگ آسیا در خرداد ماه ۱۳۵۷ به چاپ رسانیده است. مجله

تمام از مشاهدات گوناگونی یک ذهن روشن و آگاه از مناطق بین راه و به اصطلاح منزلگاههای کساروانی، شهرهای متعدد چین، درختان و پوششهای گیاهی آن سرزمین پهناور، که در آنجا «مزارع و باغات به وجهی مسلسل از پی هم می آیند، زیرا چین از دروازه یشم - که مرز شرقی آنست - تا اینانوس خاوری، تماماً کشت شده است.»<sup>(۱)</sup> تفصیلی می دهد. ختایی با اینکه نباید از منزلت علمی و دقت تحقیقاتی به تمامی برخوردار نیست، ولی آنچه را که دیده و شنیده، وصف کرده است، و به طور جامعی از جاده ها، ادیان، ساختمان شهرها، سپاهیان، انبازهای سلطنتی، علائم و مهرها و انگهای کشوری، زندانهای مخوف و متعدد، سالن، سازمانهای اداری، ضیافتها و اغذیه، روسپیان و عشرتگاهها، بازیها و سرگرمیها، فنانرنگداری و نظام کشورداری، مدارس مختلف ابتدایی، متوسطه و مذهبی، مسافرنی که وارد می شوند و پیشکشیهایی همانند اقمشه، جواهرات، اسب، شیر، بوزپلنگ و سیاه گوش که با خود می آورند، مغولان و به تعبیر مؤلف قلماقها که محصولاتشان شورده و عاج، ماموت است، گشادبوزی و امکانات نگاهداری مواد غذایی، پول و سکه های رایج در میان مردم، انضباط پذیری اجتماعی و احترام عمیق آنان به نظم و قانون، و بتکده ها و معابد متعددی که در کشور پهناور چین وجود دارد در بیست باب سخن می گوید.<sup>(۲)</sup>

رفت و آمدهایی از این دست، در قسمتهای مهمی از تاریخ منطقه در میان سکنه چین، ایران، ماوراءالنهر، بین النهرین و آسیای صغیر امری متداول بوده است، و به طور قاطع می توان گفت که تا پیدایش راههای

۱. جاده ابریشم، همان، صص ۱۱۹

۲. تلخیص از ختایی نامه، جاده ابریشم، همان، صص ۱۸۵ - ۱۷۹

دریایی جنوب (دماغه امیدنیک در آفریقا) و دور زدن اقیانوس‌های اطلس و کبیر از سوی غرب، تنها راه ارتباطی مهم در میان تمدنهای شرق و غرب عالم بوده‌است. در دورهٔ صفویان نیز که معاصر با خاندان مینگ (۱۶۲۸ - ۱۳۶۸ م.) در چین است، بی‌شک امنیت و آرامش دوست و پنجاه سالهٔ موجود در ایران، مشوق بسیاری از تجار و سیاحان هر دو سوی بوده‌است که تحولات اجتماعی و سیاسی هر دو سوی را بررسی کنند و با آوردن و بردن تحف و هدایای گرانبهای هر منطقه به منطقه‌ای دیگر، واسطهٔ ارتباط ملل و مردم مختلف شوند. بخصوص که تجار ایرانی عصر صفوی، خود نیز از راههای دریایی موجود آگاهی داشتند و به حکایت نویسندۀ سفینه سلیمانی مدتی مدید تجارت کالاها ی مهمی چون ادویه و ابریشم را در اختیار داشتند.<sup>(۱)</sup>

زمانی که آوازهٔ فتوحات نادری برخاست، و صیت شهرت فاتح جهانگیر آسیا و در واقع آخرین مرد نامداری که فلات ایران را در مفهوم جامع آن به زیر یک لوا در آورد، در دنیا پیچید، طبیعی بود که کوهها و دشتهای بلند آسیای مرکزی تا چین نیز از سرعت حوادث و شدت آنها آگاه شوند و در صدد کسب اخبار دوست و هشدار دهنده برآیند. هر دو مورخ ثقف عصر نادری، محمدکاظم مروی و میرزاهمدی خان استرآبادی از حضور نمایندگان «زرددها» در دربار ایران سخن گفته‌اند و محمدکاظم بالاخص، اشارت دارد که نادر پس از تسخیر ماوراءالنهر و خوارزم، چشم به دوردستها دوخته بود و همچنان که شیوهٔ کار رهبران سیاستمدار و عاقبت‌اندیش عالم است، فرستادگانی به خدمت سلاطین کاشغر و چین اعزام داشت، تا هم از احوال توده‌های مردم هر ناحیت

خیاباری کسب کند، و هم راههای نزدیکی و پیوند بیشتر بعدی ایران راه حواء از طریق زور و اعزام سپاه، و خواه از راه ایجاد مراودات سیاسی و زرگانی، با مناطق مورد بحث دریابد:

«چون قبل از این از نواحی خراسان و هنگام تسخیر ماوراءالنهر و خوارزم حسب التمران گیتی‌ستان چند نفر از غلامان قسطنق قدیمی خود را به عنوان سفارت به جانب قاشغر و ختن با قدری هدایا و تحائف هندوستان به جهت پادشاهان آن دیار ارسال داشته، و نامهٔ دوستانه ارسال داشته‌بود، که بعد از ورود ایلچیان پادشاهان مذکور، از سلسلهٔ چنگیزیه بودند، و آوازهٔ عظمت و صولت و صیت قدرت و سطوت شامشاهی در آن نواحی اشتهار داشت و مکرر ایلچیان خود را فرستاده بودند به جواب سرافرازی حاصل نساخته‌بودند در این وقت در آمدن ایلچیان بسیار خوش آمده، به قدر دو سه هزار کس را و دو نفر ایلچی فهم سخندان با تحف و هدایای ممالک خطا و ختن از قبیل خروار مشک و عنبر و کافور و ماهیران چینی وریوند و چوب وچینی و بردی خطایی و غیره از اجناس نقیسه که هزار نفر شتر زاغ چشم لاله پشم بار بود ارسال درگاه جهان گشا نموده‌بودند که در نواحی سوق بلاغ مکری به مؤ بساط پوسی مشرف و به کرنش شهنشاهی ممتاز و سرافراز گشتند.»<sup>(۱)</sup>

مؤلف نامبرده اضافه می‌کند که پیش از این تاریخ نیز فرستادگان آن ممالک مکرر به جانب ایران آمده‌بودند ولی: «به جواب سرافرازی

۱. نامهٔ عالم‌آرای نادری، با مقدمهٔ به قلم مکتل‌خواه، کلای، دفتر سوم، مسکو، ۱۹۶۶ م.

۱. سیرانی، سلیمان، سفینه سلیمانی، تصحیح دکتر عباس فاروقی، تهران، ۱۳۵۲.

حاصل نساخته بودند.<sup>(۱)</sup> پیش از اینکه به نتایج کار این هیأت پرداخته شود، لازم است که نظری نیز به وضع چین افکنده شود که در این هنگام زیر دست «مانجو» ها قرار داشت. شی - تسو (۱۶۲۲-۱۶۲۴ م.) مؤسس این سلسله که جانشین «مینک» ها شده بود، و پسرش شی - تسو (۱۷۳۳ - ۱۶۶۲ م.) یا کانگ هسی در صدد تأمین تسلط خود بر اویرات ها بودند، و تکمیل کارها به فرزند این دومی به نام گائو، تسون (۹۶ - ۱۷۳۶ م.) واگذار شد که یک امپراتوری بزرگ لانه پرست تشکیل داد. این لانه پرستی و ترس از چینیان اصلی عشایر منطقه مانجو و نلماقان و نیز تبتیان و اویغوران زردجامه را متحد ساخت، و چون می خواست که در غرب چین نیز کار اویرات ها را دنبال کند، پس به سوی قدرت نیرومندی روی آورد که صیبت شهرتش تمامی شرق و غرب را در هم نوردیده بود و بی کسب آگاهی از مقاصد دور و دراز وی که به یقین نگاه به شرق را نیز از یاد برده بود، هیچ گونه اقدامی میسر نمی نمود.<sup>(۲)</sup>

گفتیم که نادر در حوالی ساوجبلاغ مکرری (مهاباد) بود که از آمدن سفرای ختا و ختن آگاه شد و آنان را به حضور پذیرفت. محمدکاظم که به نظر می رسد در نگارش این بخش از کتاب خبرد، از جهانگشا بهره برده باشد، همان مضمونهای میرزا مهدی خان را تکرار می کند که پادشاهان ختا و ختن اظهار داشتند:

«از امر سلطنت و پادشاهی ایشان که با حکم الهی اتفاق افتاده بسیار خوشحال و خوشوقت می باشیم. در عالم اتحاد و ایلی و وابسته یکدیگی از ایلاتی که در حوزه اقتدار ما می باشند، هر قدر که در

۱. رضاشاهی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر المشاریه، نشر فرس، ۱۳۷۳، ص ۲۳۳.

۲. جامه ابریشم، همان، صص ۵۲۱ - ۵۲۹.

کار باشد، برای خدمت آن دولت حاضر و مهیا خواهند بود.»<sup>(۱)</sup> جهانگشا صراحت دارد که فرستادگان به طور شفاهی به عرض نادر رسانیدند که: بعضی ممالک مابین ختن و ترکستان واقع است که ایلاتی که در آن میانه می باشند طریقه خدمت نمی سپارند، چون اختیار ممالک تران با حضرت شاهنشاهی است از جانب آن جناب فوجی تعیین شده که ابل و مملکتی را که متعلق به تران زمین بوده باشد وضع و متعلقات دولت را به این طرف واگذارند که

بی شائبه انشباع حدود و ثغور دولتین معین باشد.<sup>(۲)</sup> محمدکاظم با تذکار مطالب مزبور به تکیه دیگری نیز اشاره می کند که نوع تقاضای تثبیت وضع و تفویض اختیار به حکام منطقه است. بدین معنی که چون همه فرمانروایان به طوع و رغبت سر به ریسقه اطاعت پادشاه ایران فرآورده اند:

«ملتحمس ما این است که سلسله آبی کرام ما را از آن دبار نفع فرموده، چون نواحی بخشی شیوه شجاعت و سخاوت آن حضرت است لازم دیده، جسارت این امر عظیم را بیان ساختیم.»<sup>(۳)</sup>

نکته صریح مورد درخواست هیأت اعزامی، تعیین مرزهای مشخص دو دولت بزرگ منطقه بود. آنان می خواستند که پیشاپیش چاره جویی کنند و جلوی هر نوع ادعای بعدی دولت رو به توسعه ایران را بگیرند. مطلب این است که آوازه اقتدار آن روز فرزند برومند و پرتوان ایران، نادر، به همه

۱. نامه عالم آرای نادری، تصحیح دکتر محمدعلی ریاضی، ج ۳، تهران، زوار، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷۲.

۲. جهانگشا، چاپ ۱۳۳۹، ص ۱۱۰.

۳. جهانگشا، همان، ص ۲۰۰، عالم آرای همان، ص ۱۰۷۲.

۴. عالم آرای، همان.

جا رسیده بود، و در دل قدرتمندان منقطع اسم از مانجوی چین و با او برت ها و قلماق ها ایجاد رعب کرده بود. مسئله تعیین مرزها نیز باید نوعی گمانه زنی از منویات و تمایلات دولت ایران تلقی شود که آیا حد یقینی برای اعلان منویات جهانگشایانه خود می شناخته است و یا خیر! (۱)

نادر شاه در اواخر ربیع الاول ۱۱۵۹ ه. ق. هیئتی را از پهلوانان کردان (نزدیک تهران) مأمور کرد که تحت فرمان بهبودخان چابو شده و جمعی از سرکردگان به بخارا بروند و از سرحدات ایران حفاظت به عمل آورند. کمی بعد چون هنگام دیگری در ترکستان ایران بپا خاسته بود، و عبادالله خان ختایی سرکشی آغاز کرده بود، نادر حکم دیگری برای بهبودخان مزبور نوشت که به تدمیر آشوبگران پردازد و با استفاده از اسکاناتی که در سبغ ایام در مرو فراهم آورده بود، قصد تسخیر ترکستان شرقی (ختن) را در سر می پروراند، آرامش کامل را در صفحات عصیان زده برقرار کند. (۲)

به دنبال این حوادث، محمدکاظم می نویسد که وقتی نادر در ۱۵ ماه محرم ۱۱۵۹ از اصفهان به سوی خراسان حرکت کرد، محمدعلی خان غلام را با موازی شش هزار نفر از ملازمان رکابی و سه هزار نفر جزایری

۱. مظفری، جاده ابریشم، ص ۵۲۱ این مؤلف برکوشش ادیرات ها و قلماق ها (مغولان) صحنه می گذارد که پس از آنکه علت غلبه مانجوها، استنکار پادشاهی کردن بر چین با امپراتوری مورد نظر خود را از کف دادند، می خواستند دشت اوزبکستان و خراسان و در عین حال دشت قبیجاق را تصرف شوند ولی اقدامات آنها با ابتکار عمل نظامی نادر مواجه شد که سرهنگ مظفرعلی خان را برای اطاعت گردنکشان منقطع اعزام داشت و تأیید شده تا نادر زنده بود تمامی صفحات دشت قبیجاق و آن سوی دریای خزر را نیز ضمیمه ایران کرد.

و سه هزار نفر دیگر تفنگچی مرخص و رقم سرداری ممالک اروم و والان و قزاق و قزاقلیان را هم به وی بخشید که وارد استرآباد و مازندران شود، و حدود شش هزار فرد دیگر از ملازمان کرمانشاهی را که در آن حدود بودند، بردارد و قدم در مملکت قبیجاق گذارد. (۱) سردار مزبور دستور داشت که لطیف بیگ اوسغور را که فرمانده عساکر قآن کمی بین نونگ (قانتسون) امپراتور چین بود، دفع کند و خان اردوی زرین را بر اورنگش مستقر سازد. (۲)

محمدکاظم که در این روزگار خود در مرو می زیست، و آگاهیهای دست اولی از حوادث داشت، به تفصیل از مردانگی و شهامت و فداکاری سربازان جان نثار ایران سخن می گوید و از این لشکرکشی دراز آهنگ که هیچ کدام از مورخان دیگر ایرانی نامی از آن نبرده اند، به اشباع تفصیلی می نگارد. (۳) نکته جالب آن که، سردار در همه جا فاتح است و همان آوازه و شهرت و دشمن شکنی نادر شاه، که در انواہ عام و خاص پود کارها را بسیار تسهیل کرده است. مردم طاعی نیز اعتقاد داشتند که نادر انتقام کشتارهای چنگیزیان را می گیرد و سرکوب طوایف گردنکش را بهانه ای برای این کار می شمارد: «شخصی از راویان سفر خیر اثر تقریر می کرد که چند نفر از سران قلماق را به حضور سردار حاضر ساختند و در حضور ایشان به قتل زن و فرزندان ایشان مقرر داشته، از آن جماعت استفسار کرد که چنین حادثه ای به شما هرگز رخ داده بود؟ پیری از عمر خود سیر، تقریر کرد که: آنچه ما می کشیم و می بینیم و از این شربت

۱. عالم آرا، تصحیح محمدابن ریاض، ج ۳، ص ۱۱۳۶.

۲. جاده ابریشم، ج ۲، ص ۵۲۲ مظفری معلوم نیست به چه جهت نام این سردار را

سرهنگ مظفرعلی ضبط کرده است. ۳. عالم آرا، همان، ج ۲، صص ۱۱۷۲ - ۱۱۳۶.



جرعه ساغری می نوشیم از کردار و افعال پدزان پیشین ماست که در عهد جنگیزخان و هلاکو خان نسبت به شما در مملکت خوارزم و ماوراءالنهر و ایران به عمل آورده اند و حال همان مکافات است که بعد از پانصد سال و کسری ما به دیده بصیرت می بینیم و بازن و فرزندان به حسرت می میریم.<sup>(۱)</sup>

ایرانیان بر اویرات های غربی (قلماق ها) قلبه کردند، و حریم وسیعی را تا سرحدات چین در اختیار گرفتند و لی مرگ ناگهانی نادر در ۱۱۶۰ ه. ق. باعث شد که حاصل کوششهایی که برای امنیت منطقه و توسعه تجارت و تسهیل امر رفت و آمد قوافل بازرگانی انجام می گرفت، معوق بماند و متأسفانه پس از آن روزگار نیز به واسطه دشواریهای داخلی ایران در روزگار جانشینان نادرشاه و روی کار آمدن کریم خان زند و ابتلاتانی که از قبل بی سیاستیهای فراوان دوره قاجاریه پدید آمد، ارتباطات تاریخی ملل منطقه دچار نقصان و بلکه رکود شود.



سال چاپ علوم انسانی